

پژوهشی پیرامون اتوپیای مدرن و رویکرد آن در آثار طالب عمران

نویسنده سوری

جواد خانلری*

استادیار دانشگاه پیام نور

(۹۴-۷۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۲۷

چکیده

تاریخ زندگی بشر گواه است که سودای نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه‌ای دور از کاستی، همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول ساخته است. آرمان شهرگرایی تا سال‌های متمادی و حتی در عصر کنونی، دغدغه ذهنی بسیاری از فیلسوفان و ادبا بوده و باعث شده آثار گران سنگی را خلق کنند تا در پیشبرد اندیشه بهتر زیستن در دنیا، بسیار کارآمد و سودمند افتد. در عرصه ادبیات، به مدد علم و تکنولوژی، آرمان شهرها یا «اتوپیاهایی» جدید با عنوان «اتوپیای علمی-تخیلی» یا «اتوپیای مدرن» پای به عرصه وجود نهادند که به نمونه‌هایی از آن در ادبیات نوین عرب به ویژه در آثار طالب عمران، نویسنده سوری می‌توان اشاره کرد. آرمان شهرهایی که طالب عمران ترسیم می‌کند، بر سه عنصر خیر، صلح و دانش استوار بوده و حامی سنت‌های نیک پیشینیان است. زمام اتوپیا در دست دانشمندان، فیلسوفان و فرزندگان بوده و ساکنان آن، بیشتر شبیه انسان‌هایند. او سعی دارد با موجودات فرا زمینی ارتباط سالم برقرار کرده و از توانایی آنها در جهت غلبه بر نیروی شرّ زمینی بهره‌مند شود. این نوع از ادبیات در حوزه ادبیات شرق، نه تنها جدید و مبتکرانه است، بلکه گامی است مثبت در جهت اعتلا بخشی به ادبیات و از سوی دیگر به علم و تکنولوژی.

واژه‌های کلیدی: طالب عمران، آرمان شهر، اتوپیای مدرن، علمی-تخیلی.

۱- مقدمه

ادبیات علمی-تخیلی یا داستان‌های علمی "*Science Fiction*" تقریباً از سال ۱۸۶۳م و همزمان با انقلاب صنعتی اروپا به طور گسترده در داستان‌ها و رمان‌ها، نمود پیدا کرد؛ از این روی آن را با عنوان «ادبیات قرن بیستم» می‌شناسند. نخستین نویسندگان این نوع ادبی جدید، همانند ژول ورن "*Jules Verne*" فرانسوی و هربرت جورج ویلز "*H.G. Wells*" انگلیسی و ادگار آلن پو "*Edgar Allan Poe*" آمریکایی و هم‌تایان آنها به هنرنمایی در این زمینه پرداختند. آنها آثاری را خلق نمودند که بعدها به عنوان الگویی در جهت اختراع ابزار و وسایل مورد استعمال قرن، قرار گرفت. علاوه بر داستان‌های علمی-تخیلی، به مدد علم و تکنولوژی، نوع جدیدی از آرمان شهر یا «اتوپیا *Utopia*» ظهور نمود. این نوع آرمان‌شهرها که با عنوان اتوپیای مدرن "*Modern Utopia*" معروف شدند، در آثار نویسندگان غربی و به تبع آنها، نویسندگان عربی به طور ملموس، قابل مشاهده است.

بنابراین آرمان شهرهایی پدید آمد که کاملاً با نوع کهن و آغازین خویش، مانند آنچه که افلاطون و فارابی و دیگران آفریدند، متفاوت و حتی مستقل و جدید بود. در جهان عرب نیز داستان نویسان معاصر، به تقلید از ادبای اروپایی و غربی، آرمان شهر را با اسلوبی تازه آغاز نمودند. این داستان‌ها با ویژگی‌هایی همچون میل به خیر و نیکی، خوش بینی و نیل به آینده‌ای کاملاً مرفه و متکی به دانش بومی، همراه است. طالب عمران، نویسنده سوری نیز، چه در زمینه داستان‌های علمی-تخیلی و چه اتوپیای مدرن، آثار متنوعی را نوشته است. در این مجال، بر آنیم که خوانندگان با اتوپیای مدرن غربی و عربی، بویژه اتوپیای مدرن در آثار طالب عمران و ویژگی و رویکرد آن، بیشتر آشنا شوند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

مقاله مورد نظر، یعنی «اتوپیای مدرن» تاکنون به عنوان یک موضوع و طرح مجزاً مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. اما آثاری تألیف شده‌اند که البته ادبیات

علمی - تخیلی را در خود جای داده‌اند همچون: فی الخیال العلمي، فی العلم و الخیال العلمي، الکنون یکشف أسرارہ، الحاسّة السّادسة، سحر الأسطورة و ... از طالب عمران - الخیال العلمي، أدب القرن العشرين از محمود قاسم - الخیال العلمي فی الأدب، از محمد عزّام و سلسله مجلّات «الخیال العلمي» از طالب عمران که مقالات و دستاوردهای علمی - تخیلی در آن منعکس می‌شود؛ علاوه بر این، افراد دیگری در دنیای عرب به خلق آثار در این زمینه پرداخته‌اند همچون: یوسف عزّالدین عیسی، فتحي غانم، صبری موسی، إيهاب الأزهری و مصطفى محمود.

۱-۲- شیوة پژوهش

مقاله حاضر ابتدا با بحث پیرامون اتوپیا، مفهوم شناسی و انواع آن، آغاز شده و پس از معرفی اتوپای غربی و همتای عربی آن، به آثار طالب عمران در این زمینه پرداخته و آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان نیز نتیجه تحقیق ذکر شده و اهم دستاوردهای آن، یکی پس از دیگری ذکر می‌شود.

۲- مفهوم شناسی اتوپیا

اتوپیا (*Utopia*) یک واژه مرکب یونانی است، بر ساخته از حرف نفی (*OU*) به معنای «نا» و (*Topos*) به معنای «مکان». در اصطلاح رایج به معنای جزیره‌ای خیالی توصیف شده که در آن سیاست و قانون و همه چیز در کمال خوبی، اجرا می‌شود و نیز نام کتابی است از توماس مور در این باره (آریانپور، ۱۳۶۹: ذیل واژه *Utopia*). در فارسی این کلمه را به «جایی که وجود ندارد»، «ناکجاآباد»، «هیچستان» و «آرمان شهر» تعبیر می‌کنند و در عربی به «لامکان» و «المدينة الفاضلة». البته دو عبارت اخیر در فارسی نیز استعمال می‌شود.

«این کلمه به طور کلی به معنای «اللامکان» یا «فی لامکان» (*ENAUUNLIEU*) است و از این معنای اشتقاقی، مفهوم قدیم اتوپیا یعنی «المدن المثالیة» سرچشمه می‌گیرد که برخی از نویسندگان آن را در داستان‌های خویش ترسیم نموده‌اند؛

داستان‌هایی که رنگ و بوی خیال سرکشی را دارند، که بسیار از واقعیت به دور است؛ مانند ترسیم جمهوری فاضله که حکومتی عدالت‌گستر و ملّتی سعادت‌مند دارد» (الکبسی، ۲۰۰۸: ۱۷).

۳- انواع اتوپیا

اتوپیا را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود: ۱- اتوپیای فلسفی ۲- اتوپیای ادبی

۳-۱- اتوپیای فلسفی

به آرمان شهر یا مدینه فاضله‌ای اطلاق می‌شود که اندیشه آرمانی در آن، بر اساس برهان عقلی و فلسفی استوار است و بدین ترتیب در پس اندیشه‌های فلسفی و منطقی، زیباترین شرایط زندگی برای ساکنان آرمان شهر، فراهم است. نخستین و مشهورترین متفکری که اندیشه آرمانی را بر برهان عقلی استوار ساخت، افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ پ.م) فیلسوف یونانی بود و کتاب «جمهوری» را در این زمینه تالیف کرد. پس از وی «ابونصر فارابی» حکیم فرزانه خاور ایران، اندیشه آرمانی را در اثر خود «آراء أهل المدينة الفاضلة» بیان کرده است. کتاب جمهوری افلاطون با بحث پیرامون مفهوم درست عدالت آغاز می‌شود، با روندی منطقی به شیوه دیالوگ به پیش می‌رود و در جستجو برای عدالت راستین، جامعه‌ای آرمانی طرح می‌کند (خباز، ۲۰۰۶: ۱۱۳-۱۱۲). در مقابل جمهوری افلاطون، «آراء أهل المدينة الفاضلة» از فارابی قرار دارد. مدینه فاضله فارابی، برعکس، جامعه‌ای است کاملاً روحانی. وی سعادت را خیر محض می‌داند که به لحاظ خیر بودن، اقتضای زمان و مکان نمی‌شناسد. آنچه انسان را به سعادت می‌رساند، افعال زیبا است و ملکاتی که مصدر این افعالند، فضایل نام دارند (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۵۰).

می‌توان اظهار داشت که مدینه فارابی از شور و حرارت و عاطفه بالاتری برخوردار است تا جمهوری افلاطون؛ زیرا رأی فارابی بر این است که تمام اجزاء مدینه با هم و با یک نیرو به سوی خیر و سعادت شناور شود و دیگر این که حاکم با افراد طبقه پایین مهربان باشد و امور آنها را رسیدگی کند. به هر حال این نوع از اتوپیا، همان گونه که از

نامش پیداست، ریشه در فلسفه و به ویژه سیاست دارد و وظیفه آن ایجاد حکومتی عدالت‌گستر و عدالت‌جو و بررسی روابط اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی است. با این آرزو که بتواند جامعه بشری را تا قله سعادت کامل و عدالت مطلق، پیش برد.

۳-۲- اتوپای ادبی

این نوع از اتوپیا، بر خلاف مدینه فاضله فلاسفه که بر منطق و فلسفه استوار بود، بر اساس رخدادها و دستاوردهایی است که در جامعه‌های خیالی و آرمان شهرها جریان دارد. این گونه از جامعه‌ها غالباً شهرهای آینده را تشکیل می‌دهند که نویسنده به مدد خیال یا خواب و رؤیا و یا ماشین زمان به آنها سفر می‌کند. آنچه که بیشتر در این نوع اتوپیا به چشم می‌خورد، دستاوردهای عظیم علمی، تکنولوژی و دستگاه‌های پیشرفته و صرف نظر از زمین، فرا زمینی بودن مکان رخدادهای آن است. از این رو می‌توان از آن با عنوان «اتوپای مدرن» تعبیر نمود. به منظور آشنایی بیشتر با اتوپای غرب و همتای عربی آن، نگاهی کوتاه به آنها افکنده و اتوپای طالب عمران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۲-۱- اتوپیا در عرصه ادبیات غربی

غربی‌ها مدت زمان بسیاری است که اتوپیا را موضوع ادبیات علمی-تخیلی خویش قرار داده‌اند. به گونه‌ای که اندیشمند و سیاستمدار انگلیسی، توماس مور *Thomas More* (۱۴۷۸-۱۵۳۵م) کتابی نوشت و آن را «اتوپیا» (*Utopia*) (۱۵۱۶م) نامید. (عزّام، ۱۹۹۴: ۲۹). نویسنده ایتالیایی، توماس کامپانلیلا *Thomas Campanella* (۱۵۶۸-۱۶۳۹م) اتوپای «شهر آفتاب» (*Cite du Soleii*) (۱۶۲۳م) را نوشت که در آن فلاسفه حکومت می‌کنند و اختراعات و دستگاه‌ها جایگزین برده‌ها شده و کار می‌کنند. در قرن نوزدهم نویسنده فرانسوی، اتین کابیه *Etienne Cabet* (۱۷۸۸-۱۸۵۶م) اتوپای «سفر به ایکاریا» (*Voyage to Ecaria*) (۱۸۴۰م) را نوشت (همان: ۲۹-۳۰).

آنجا که در اتوپای غرب، سخن از خیر مطلق است، کسی فکر نمی‌کند که این نوع از مدینه فاضله می‌تواند دچار انحطاط و تزلزل شود؛ زیرا در نگاه نخست،

اتوپای زمینی را رمزی از بهشت آسمانی به شمار می‌آوریم. ولی حقیقت این است که غرب همواره در بند بهشت زمینی بوده است و نه بهشت آسمانی. از این روی، همواره در خیال اتوپایی است که در آن بیماری، مرگ و پیری علاج شده و انسان می‌تواند فارغ از هر گونه دغدغه‌ای، مرکب لگام گسیخته امیال مادی و شهوانی خویش را جولان دهد. بنابراین وقتی معنویات از جامعه فاضله رخت بر می‌بندد و جای خود را به مادیات می‌بخشد، ناگزیر جامعه نیز حالت یکنواختی پیدا می‌کند و انسان‌ها به صورت ماشین و ربات زندگی می‌کنند در حالی که فکر می‌کنند سعادت‌مندند ولی این گونه نیست و در مرداب غوطه‌ورند. مدینه فاضله‌ای که در سایه‌سار تکنولوژی و علم و دانش سیراب می‌شود، در حالی که خالی از ایدئولوژی و دین است، نه تنها سعادت بشر را تأمین نمی‌سازد بلکه جهنمی است با شعله‌های اضطراب، آشفتگی، نگرانی، افسردگی و تنهایی انسان و تا زمانی که اسیر این تعلقات مادی و نیازهای زودگذر است، وضع به همین منوال خواهد بود (ر.ک، هاکسلی: ۱۳۶۶).

۳-۲-۲- اتوپیا در عرصه ادبیات عربی

اتوپای غربی در حوزه ادبیات معاصر عربی رسوخ پیدا کرد و به دنبال آن رمان‌ها و داستان‌های عربی پای به عرصه وجود نهادند که با خیال پردازی‌های متنوعی که داشتند، آینده جامعه عربی و یا جهانی را ترسیم نموده و به تصویر کشیدند. آینده‌ای که یا رؤیاهای شیرین آن را در بر گرفته و یا ترس و بیم. البته این آینده که بیشتر ترسناک می‌نماید تا شیرین، بشر را مسخ کرده و آنها را به اجزاء بی‌ارزش و ناچیزی تبدیل می‌کند که در گردونه آینده می‌چرخند. بی آن که فرصتی برای توقف و یا تأمل و اندیشه در مورد مصیبت وارده به خویش داشته باشند. در این مجال تلاش می‌شود طالب عمران و آثار وی در زمینه اتوپای مدرن در دنیای عرب معرفی شود.

۴- طالب عمران، خالق آثار علمی - تخیلی

طالب عمران نام ادیب، محقق، نماینده و فیلمنامه نویس و مدرس دانشگاه سوری است. او به سال ۱۹۴۸م در طرطوس سوریه به دنیا آمد. پس از فراغت از تحصیل از

دانشکده علوم در سال ۱۹۷۸م به هند سفر کرد و در رشته علوم، مدرک کارشناسی ارشد را کسب نمود. در سال ۱۹۸۴م در رشته ریاضیات و نجوم موفق به دریافت مدرک دکترای تخصصی از هند شد. در حال حاضر به عنوان مدرس دانشگاه در دانشکده مهندسی شهری دانشگاه دمشق به فعالیت مشغول است. وی آثار پژوهشی و داستانی بسیاری در زمینه ادبیات علمی - تخیلی و اتوپای مدرن تألیف کرده است که بالغ بر ۷۰ مجلد است. از آن جمله: *في الخيال العلمي* (۱۹۸۰م)، *نافذة على كوكب الحياة* (۱۹۸۰م)، *في العلم و الخيال العلمي* (۱۹۸۹م)، *رمان: الأزمان المظلمة* (۲۰۰۳م) ...

۴-۱- تکنیک‌های ادبی - روائی طالب عمران

آنچه که در بیشتر داستان‌ها و رمان‌های علمی - تخیلی عربی از لحاظ تکنیک‌های روائی رخ داده و می‌دهد، تکنیک کلاسیک غربی است که بر این نوع ادبی جدید، سایه افکنده است لذا از شیوه‌های مدرنیسم و پسا مدرنیسم در این داستان‌ها چیزی به چشم نمی‌خورد؛ چرا که ادبیات علمی - تخیلی عربی تقلیدی است صرف از نوع غربی خود و از نویسندگانی چون ژول ورن، هربرت جورج ویلز، آلدوس هاکسلی و همتایان آنها. اگرچه داستان‌های علمی - تخیلی غرب و اتوپایهای امروزه آن‌ها مرزهای مدرنیسم و پسا مدرنیسم را درنور دیده است، اما نشانه‌های آن در ادبیات عربی هنوز به اثبات نرسیده است.

با این وصف، طالب عمران نیز در تمامی داستان‌های خود از تکنیک کلاسیک تبعیت می‌کند. داستان‌ها به طور یکسان از آغاز، میانه و انجام برخوردارند. وی در روایت داستان‌ها و اتوپایها از شیوه غیر مستقیم بهره جسته و همان گونه که ویژگی این روایت است، از فعل‌های سوم شخص استفاده می‌کند.

می‌توان اظهار داشت که گفتمان تک بُعدی یا همان «مونولوگ» در آثار وی جایگاه چندانی ندارد و نویسنده با «دیالوگی» که در بین شخصیت‌ها ایجاد کرده، داستان را به پیش می‌برد؛ زیرا در این نوع از ادبیات، همه افراد در ایجاد رخدادها و دستاوردهای علمی همکاری دارند و بدون گفتمان و دیالوگ، این مهم حاصل نمی‌شود.

بستر زمانی داستان‌های طالب عمران در آینده قرار دارد و حوادث در آن جریان دارند. همچنان که ذکر شد، آغاز، میانه و انجام داستان کاملاً مشخص است و دیگر این که تمام موجودات فضایی، چه آنها که جنسی از نوع بشر دارند و چه آنان که از نوعی دیگرند، در داستان‌های طالب عمران بطور مسالمت آمیز با انسان زندگی می‌کنند بی آنکه مشکلی پیش آید. خلاصه این که داستان‌های طالب عمران به ویژه اتوپیاها و بی‌بیانگر نگاه متعالی وی به جنس بشرند و در جهت دست یابی به خوشبختی و آرمان شهر خیالی بشر پایه ریزی شده‌اند.

۵- اتوپای مدرن در آثار طالب عمران

۵-۱- اتوپای فرازمینی

اگر هدف از اتوپیا یا آرمان شهر را ارائه الگویی برتر جهت هدایت به سوی سعادت و نیل به خوشبختی مطلق بدانیم، پس چرا این الگوی برتر در فضای خارج از کره زمین و بر سطح سیارات دیگر نباشد؟

طالب عمران نویسنده‌ای است که محدوده این الگوی برتر یعنی اتوپیا را تا کرات و سیارات دیگر گسترش می‌دهد. از نظر وی تمامی موجودات فضایی، مخلوقاتی بی‌نظیر و الگو هستند که به انسان، علم و دانش، فضیلت و رفتار و سلوک درست و استوار می‌آموزند. محمد عزّام درباره وی می‌گوید:

«او رؤیای مدینه‌های فاضله (آرمان شهرها) را در سر می‌پرورد. البته نه بر روی زمین بلکه در فضای خارج از جهان هستی. برای این که از جهنمی که بشر شرور به وجود آورده بگریزد. زیرا در این دوره آشفته، انسان شاهد نابسامانی‌هایی است که هر روز شدت می‌یابد و در دام مشکلات جدیدی گرفتار می‌آید» (عزّام، ۲۰۰۰: ۹۵).

طالب عمران نیز به عنوان یک نویسنده در عرصه وسیع ادبیات نوپای علمی-تخیلی، سعی نموده گاهی از دنیای سرد و بی‌روح و پر از خشونت انسان‌نماها گریخته و به دنیای آرمانی خویش در سیاره‌های دیگر پناه برد. او با مشاهده حجم وسیع ظلم و جور بر روی زمین، به ویژه در خاورمیانه و از سوی ابرقدرت‌هایی همچون آمریکا و

اسرائیل، نه تنها صلح و آزادی و دانش صلح‌آمیز را فریاد می‌زند بلکه سعی دارد به زمینی‌ها بفهماند که اگر در کرات دیگر این کهکشان‌های بزرگ، موجود دیگری وجود داشته باشد، هر آینه افکاری سالم و مسالمت‌آمیز خواهد داشت و همچون بشر کینه جو و ظالم نخواهد بود. طالب عمران سعی کرده است تا در میان آثار علمی - تخیلی خویش به اتوپای مدرن نیز بپردازد لذا او در داستان‌های «کوکب الأحلام»، «خلف حاجز الزمن» (۱۹۸۵م) و «البحث عن عوالم أخری» که در مجموعه داستانی «الخروج من الجحیم» قرار دارد، در این زمینه قلم فرسایی کرده است.

۵-۲- کوکب الأحلام

اتوپای «کوکب الأحلام» که در مجموعه‌ای به همین نام به سال ۱۹۷۵م آورده شده است، داستان فرود آمدن فضاپیمای عربی (ابن رشد) بر سطح سیاره‌ای به نام (المارد) است. فضانوردان که چهار نفرند، در حال گشت و گذار در این سیاره زیبا به یک دکل می‌رسند و در اطراف آن، صدای آهنگین و دلربایی را می‌شنوند که آنها را با نامشان می‌خواند. این صدا از شکوفه‌های زیبایی که آواز می‌خوانند، ساطع می‌شود. زمانی که یکی از آنها سعی می‌کند گلی را برای آزمایشگاه بچیند، ناگهان به حالت بی‌هوش روی زمین می‌افتد؛ زیرا او قوانین مربوط به عدم دخالت در امور سیارات دیگر را رعایت نکرده و محترم ندانسته است. تقریباً تمام نشانه‌های سیاره خیالی داستان با کره زمین مطابقت دارد و تنها اختلاف آن در دو نکته اساسی نهفته است که باید مورد توجه قرار داد. نخست این که موجودات این سیاره به شکل گل و شکوفه‌اند و دیگر این که آنچه مورد اهمیت است، محبت و صلح فراگیر در سطح این سیاره است. صلح و دوستی و محبت و ریشه‌کن ساختن بیماری‌ها و میکروب‌ها، القبای مدینه فاضله (المارد) است (ر.ک: عمران، ۱۹۹۰).

۵-۳- خلف حاجز الزمن

در رمان «خلف حاجز الزمن» (۱۹۸۵م) فضاپیمایی زمینی بر روی سیاره‌ای که کاملاً شبیه زمین است فرود می‌آید. موجوداتی که در آن به سر می‌برند، کاملاً شبیه انسانند. تمدنی

که در این سیاره وجود دارد، در هر جای آن قابل رؤیت است و البته یک تمدن کاملاً پیشرفته است و پس از نابود ساختن گروهی شرور، جامعه‌ای جدید بر اساس محبت و کار و کوشش و در راستای تخصص فردی به وجود آمده است. در این شهر، مرگ وجود ندارد و همه جاودانه‌اند. تا زمانی که موجودی کار می‌کند و جنبش دارد، نمی‌میرد. بنیان خانواده در این شهر بر اساس ازدواج بنا شده است و پس از ازدواج نباید بیش از دو فرزند، یکی پسر و دیگری دختر به دنیا بیاورند (ر.ک: عمران، ۱۹۸۵).

۵-۴- البَحْثُ عَنِ عَوَالِمِ الْآخِرَى

داستان «البَحْثُ عَنِ عَوَالِمِ الْآخِرَى» که در ضمن مجموعه‌ای داستانی به همین نام آمده است، اتوییایی است که خارج از کره زمین و بر روی سیاره‌ای به نام «کارون» جریان دارد. در سال ۲۰۹۰ میلادی فضاییمایی از زمین به سوی ستاره «آلفا- قنطورس» که از نزدیک‌ترین ستارگان مجموعه شمسی به زمین است، فرستاده می‌شود. البته به همراه شش فضانورد با تخصص‌های مختلف: دکتر «ایاد» که رهبری و هدایت را به عهده دارد و از همه مسن‌تر است. «سامی» معاون دکتر ایاد، «نادیا» پزشک گروه، «دیما» مهندس ارتباطات، «أحمد» جغرافی‌دان و «خالد» مهندس موتورهای اتموتیک (عمران، ۲۰۰۳: ۹). فضاییما با سرعتی هیجان‌انگیز در فضا به حرکت درمی‌آید. ناگهان صدای موجوداتی را می‌شنوند که به آنها خوش آمد می‌گویند و آنها را با نام صدا می‌زنند و از مسیر حرکت آنها می‌پرسند: «برادران عاقل ما خوش آمدید، قصد کجا را دارید ای سامی؟» (همان: ۱۹).

رئیس آنها که شخص کاملاً صلح دوست و عاقلی است (سیروس) نام دارد. آنها از سیاره «کارون» دهمین تابع خورشیدند. جالب اینجاست که زمین را با نام سیاره آبی «الکوکب الأزرق» می‌شناسند؛ زیرا از لنز تلسکوپ، به رنگ آبی دیده می‌شود. اجداد این موجودات پیش از کارون بر روی سیاره «سیرا» یکی از تابع‌های زحل زندگی می‌کردند ولی به سبب برخورد شهاب سنگی به آن، قسمت اعظم ساکنان آن از بین رفتند و بقیه به سیاره کارون سفر کردند و آنجا ساکن شدند. تمدنی که آنها بر روی

کارون داشته‌اند، تمدنی بر اساس اخلاق بوده، همچنان که پیش از آن در سیاره سیرا اینچنین بوده است. آنها حکومتی مستقل به معنای واقعی کلمه نداشته‌اند بلکه هر منطقه به وسیله شخص عاقل و دانایی مانند «سیروس» اداره می‌شد. قانونی که از زمان سیرا در آن حاکم است، بر اساس محبت و همکاری در راه پیشرفت و شکوفایی استوار است و کینه و اختلافی در میان ساکنان وجود ندارد. کانون خانواده نیز به شکلی طبیعی سیر می‌کند و هر زوجی می‌تواند تا سه فرزند داشته باشد که می‌تواند در مدرسه‌ها و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی مشغول تحصیل علم شوند.

از آنجا که سیاره کارون نیز با ستاره دنباله داری برخورد نموده است، آنها طی این سفر سیصد موجود از بازمانده‌های کارون را به سیاره دیگری انتقال می‌دهند. آن موجودات پس از فرود آمدن در سطح سیاره هفتم از توابع آلفا- قنطورس، آن را (یوهام) می‌نامند که در زبان عربی به معنای امید (الأمل) است. به امید آن که تمدنی جدید و آینده‌ای خلاق روی این سیاره در انتظارشان باشد. طی این سفر دکتر آید جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و اهالی کارون او را به عنوان تابع سیاره هفتم در تابوت گذاشته و در مدار سیاره رها می‌سازند تا همواره به یاد نیکی‌های وی باشند. پس از رسیدن زمینی‌ها به سیاره چهارم از توابع آلفا- قنطورس، که البته با ارشادات و راهنمایی‌های سیروس صورت گرفت، آن را کاملاً شبیه زمین و پر از جنگل‌های سرسبز و بهترین مکان جهت تشکیل تمدنی جدید، به دور از هرگونه کینه و نفرت و بر اساس عشق و محبت، می‌یابند. در نتیجه سامی و دیما با یکدیگر ازدواج کرده و به عنوان اولین زوج خوشبخت بشری بر روی سیاره چهارم جشن گرفته و تمام موجودات عاقل یوهام نیز در آن شرکت می‌کنند و بدین ترتیب اولین خانه بر روی تابع چهارم آلفا- قنطورس ساخته می‌شود تا مقدمه‌ای باشد بر یک تمدن عظیم بشری (ر.ک: عمران، ۲۰۰۳).

۵-۵- اتوپای زمینی

اما گاهی اوقات طالب عمران مکان مدینه فاضله خویش را تغییر داده و دیگر در سطح

سیارات به دنبال شهر آرمانی نیست بلکه سیاره زمین را جایگاه مناسبی جهت تأسیس این آرمانشهر می‌داند و به همین منظور داستان‌های «أسرار من مدینة الحکمة» و «نبح السحاب» را می‌نویسد که در ذیل می‌آید.

۵-۵-۱- أسرار من مدینة الحکمة

داستان «أسرار من مدینة الحکمة» که در مجموعه‌ای به همین نام آمده است، حکایت آرمان شهری است که اعراب در دل صحرای بزرگ عربی ساخته‌اند. اندیشه اولیه این طرح عظیم از یک کافی شاپ در آمریکا آغاز می‌شود، در آنجا یکی از دانشمندان عرب به همراه گروه دیگری گرد هم می‌آیند، در آن لحظه فکری به ذهنش خطور می‌کند که دیگران را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. او می‌گوید: «چرا به جای آن که در ساخت تمدن‌های بیگانه سهمیم، با یکدیگر متحد نشویم و تمدن عربی جدیدی را با افکار خویش تشکیل ندهیم؟ یکی از دوستان پاسخ می‌دهد: ولی چگونه؟ در حالی که کشورهای عربی تجزیه شده و اختلاف در مناطق آنها بسیار زیاد است؟ دانشمند عرب خنده‌ای می‌کند و می‌گوید: تمدنی را زیر منطقه صحرا بنا می‌کنیم تا کسی ما را کشف نکند و آنچه را که می‌سازیم، ویران نکند» (عمران، ۱۹۹۲: ۱۲۹-۱۲۸).

این آرمان شهر، دارای تمدنی بس عظیم است که در خدمت علم و صلح و دوستی است نه ثروتی در کار است و نه دشمنی و کینه ورزی. مدینة الحکمة، حکایت آرمان شهری است که طالب عمران در باطن زمین و در صحرای عربی متصور شده است. این شهر که از سوی دانشمندان و بزرگان هدایت می‌شود مظهر کامل یک تمدن پیشرفته است، البته تمدنی کاملاً عربی. او سعی دارد دست بیگانگان به ویژه غربی‌ها را از دخالت در امور عرب‌ها کوتاه کند و مغزها را فرا می‌خواند تا به فضل علم و دانش خود اسباب پیشرفت یک تمدن جدید عربی را فراهم آورند (ر.ک: عمران، ۱۹۹۲).

در این تمدن دشمنی و کینه توزی جای ندارد و ثروت اندوزی دغدغه بشری نیست بلکه پیشرفت در زمینه علم و دانش و انتشار محبت و دانش در جای جای فضای خارج از زمین و در سیارات و ستاره‌های دیگر تنها دغدغه این تمدن عظیم عربی است. درست است که وی در پی ظلم و ستم زمینی‌ها و ثروت اندوزی و ذخیره سازی

اسلحه‌های کشتار جمعی، پایگاه مدینه‌های فاضله خویش را بیرون از کره زمین و سیارات دیگر معرفی می‌کند ولی داستان «أسرار من مدینة الحکمة» نیز در سطح زمین رخ نمی‌دهد بلکه باز هم نویسنده از دست دشمنان و کینه توزان و جاسوس‌های آنها به اعماق زمین پناه می‌برد تا بدینوسیله بتواند اسباب آسایش نسل جدیدی را فراهم آورد که شعار دانش و محبت و صلح را سر لوحه خویش قرار خواهند داد.

۵-۲- نبع السحاب

در برابر شرایط سخت زندگی کنونی بشر و آینده مخوفی که در انتظار اوست، رؤیاها در اعماق وجودش به پرواز در می‌آیند تا تمام خطرهایی را که جنس بشر را تهدید به ناپودی می‌کند، اصلاح نموده و از بین ببرند. رؤیاهایی همچون آرمان شهرهایی که توسط افرادی با گرایش‌های خیرخواهانه و انسانی حکمرانی می‌شوند که نه کینه‌ای در آن راه دارد و نه دشمنی و جنایت. خیر و نیکی تنها قانونی است که در این شهرها حکومت می‌کند (عمران، ۱۹۹۴: ۹۹).

این عبارت‌ها، قطعه‌ای از مقدمه‌ای است که نویسنده برای اتوپای «نبع السحاب» نوشته است. «نبع السحاب» مدینه فاضله‌ای است که بر فراز قلّه‌ای بسیار بلند افراشته شده. این قلّه تا بدانجا سر به فلک کشیده است که ابرها از هر طرف آن را احاطه ساخته و از این روی آن را نبع السحاب نامیده‌اند. دسترسی به این شهر بسیار سخت و پر از مشکلات متعدّد است ولی (أمجد) تصمیم می‌گیرد تا از گذرگاه‌های مرگ که در راه رسیدن به این آرمان شهر نهفته است، عبور کند. در این گذرگاه‌ها او رؤیاها و خیال پردازی‌های خود را پشت سر می‌گذارد. او عاشق دخترکی به نام (لیلی) است. با این که راه پر از خطر است ولی او هرگز نمی‌پذیرد که مطلوب خویش را فدای ترس‌هایش سازد لذا تمام مصائب راه را به جان می‌خرد و به سوی آرمان شهر می‌رود. او بی توجه به این امور به پیش می‌رود تا به شهر می‌رسد، به محض داخل شدن، پیر زنی با چهره زیبا و بشاش را مشاهده می‌کند که مهربانی از چشم‌هایش سرازیر است. پیرزن که در اطرافش دو ردیف ریش سفید ایستاده‌اند، از امجد استقبال کرده و به

او خوش آمد می‌گوید و او را جوانی پیروز و دارای عاطفه‌ای پاک معرفی می‌کند؛ زیرا توانسته است گذرگاه‌های مرگ را به سلامت عبور کند. در این شهر هیچ نوع پولی رواج ندارد، بلکه این حرفه اشخاص است که نام آنها را مشخص می‌کند و هر کس هر آنچه را که نیاز دارد از خوراک گرفته تا پوشاک در آنجا به دست می‌آورد. روابط اجتماعی مردم نیز بر اساس صداقت و محبت و همکاری استوار است. آنها یکدیگر را دوست دارند و هرگز دروغ نمی‌گویند. ازدواج می‌کنند و فرزندان خویش را بی هیچ مشکلی تربیت می‌کنند، آنها به روابط زناشویی و بنیان خانوادگی محکم و استوار بسیار اهمیت می‌دهند.

طی این دیدار، امجد با یکی از موجودات فضایی به نام (آفتار) دیدار می‌کند و او نیز از نیک اندیش بودن اهالی سیاره خویش یعنی (شفق) سخن می‌گوید و این که در آنجا هیچ‌گونه کینه‌توزی وجود ندارد و هر چه هست همکاری و محبت متقابل است. همچنین نجات دادن انسان‌ها که گرفتار گروهی اندک و مستبد شده‌اند وظیفه آنها است و باید که مشکلاتی همچون اسلحه هسته‌ای و سوراخ لایه اوزون هر چه سریع‌تر حل شود. نتیجه این که روزی مردم در کره زمین بیدار می‌شوند و فضاپیماهایی را مشاهده می‌کنند که در اطراف آسمان پراکنده‌اند و موادی را رها می‌سازند که هوا و آب‌های مسموم و آلوده را پاک می‌سازد و کارخانه‌های جنگی را متوقف و فتیله اسلحه هسته‌ای را خاموش و لایه اوزون را ترمیم می‌کند. آنها موجوداتی خیرخواه و لطیفند که در دنیا می‌چرخند و بذر محبت را در جان‌ها می‌کارند (رک: عمران، ۱۹۹۴).

مشاهده شد که در اتوپیا یا آرمان شهرهای ارائه شده از سوی طالب عمران آنچه که بیش از هر امر دیگری که جزء رسم و رسوم مدینه‌های فاضله است، به چشم می‌آید نابودی سلاح‌های کشتار جمعی و عمومیت یافتن صلح و دوستی در سراسر کره زمین و حتی دیگر کهکشان‌ها است. او حتی در دیگر رمان‌ها و داستان‌های خویش به این امر اهتمام ورزیده و بنای نویسندگی را بر پایه خیر، محبت و صلح نهاد است و تقریباً آن را هدف اصلی از خلق چنین آثاری اعلام نموده است. نویسنده به سبب ناراستی‌ها و کژروی‌ها و ستم‌ها و کشتارهایی که در دنیا از سوی ابر قدرت‌ها جاری است، دائماً

مشغول تفکر و فرار از این جامعه است یا دست کم به دنبال بهانه‌ای است تا از آنچه که در دنیای بیرون می‌گذرد کمی غافل شده و به عبارت دیگر بیاساید. لذا راه حلی جز خلق مدینه فاضله نمی‌یابد.

۶- نتیجه

ملاحظه شد که در ادبیات عربی، اتوپیای مدرن یا آرمان شهر متمدن امروزی هرچند اصالت خویش را از نوع غربی خویش کسب کرده، اما توانسته است در فضایی کاملاً شرقی و با رنگ و بویی تازه‌تر اجرا شود. بلکه گامی است مثبت در جهت اعتلا بخشی به ادبیات و از سوی دیگر به علم و تکنولوژی. هر قدر هم که اتوپیای مدرن ساخته و پرداخته ذهن نویسنده غربی باشد، ارائه الگویی عربی یا به طور کلی شرقی، قابل تحسین است. چرا که خود نشان دهنده خروج از سیطره فکر غربی است و به تبع آن نسل آینده با آثار ادبای سرزمین خویش آشنا شده و تربیت می‌شوند. بنابراین، در این مجال می‌توان نتیجه بررسی اتوپیای مدرن را در آثار طالب عمران در چند مورد زیر ذکر نمود:

- ۱- اتوپیا در نزد طالب عمران بر سه عنصر خیر، صلح و دانش تکیه دارد.
- ۲- بیشتر اتوپیاها سعی دارند تا در ساختار آداب و رسوم اجتماعی که ریشه در جامعه دارند و انسان‌ها به آن پایبندند، تغییراتی ایجاد کرده و آن را کاملاً از بین ببرند. اما طالب عمران برای عواطف ناب بشری و محبت دو طرفه، ارزش فراوانی قائل است چنان که در «نبع السحاب» و تمامی آثار خویش بر این اصل مقدس پایبند است.
- ۳- در آرمان شهرها، پول نقد از تجارت رخت بر بسته است کما این که در اتوپیای «نبع السحاب» طالب عمران افراد شهر تمامی مایحتاج خود را از میدانی بزرگ فراهم می‌کنند بی آن که پولی پرداخت کنند.
- ۴- ایدئولوژی و دین در آرمان شهرها و رمان‌های دیگر طالب عمران به شکل بارزی مورد اشاره قرار نگرفته است ولی نگرش وی به امور خیر و صلح و دوستی ناگزیر ریشه در ایدئولوژی وی دارد. زیرا این‌ها اموری هستند که تنها از یک انسان خداشناس

نشأت می‌گیرند و این خداوند است که وجودش خیر مطلق است و بندگانش نظر به او دارند و در راه تحقق اهداف نیک خداوند کریم گام بر می‌دارند.

۵- آرمان شهرهایی که طالب عمران ارائه می‌دهد، بر خلاف نمونه‌های غربی آن، هرگز دچار انحطاط و زوال نمی‌شوند.

۶- بیشتر حاکمان آرمان‌شهرها یا اهل دانش و معرفت، یا فیلسوف و یا حکیم و فرزانه هستند و کمتر پیش می‌آید که نویسنده، آرمان شهر خود را به دست سیاستمداران بسپارد.

۷- شکل موجودات در آثار آرمانی طالب عمران بسیار به انسان‌ها شبیه است جز در داستان (کوکب الأحلام) که موجودات به شکل گل‌ها و شکوفه‌ها هستند.

۸- داستان‌ها و آرمان شهرهای طالب عمران، احترام ویژه‌ای برای موجودات فضایی قائل است. وی آنها را موجوداتی خیرخواه معرفی می‌کند.

۹- داستان‌هایی که عمران ارائه می‌دهد گرچه با آب و رنگ علمی-تخیلی است ولی وی سعی می‌کند تا موضوع و محتوای آن برای همگان، حتی کودکان قابل فهم باشد.

۱۰- مهم‌ترین ویژگی این گونه آرمان شهرها را می‌توان در تربیت نسل جدید و آینده دانست. از آنجایی که نسل آینده و حتی کنونی، نسل اینترنت و فضا تلقی می‌شوند. این گونه داستان‌ها که درون مایه‌ای خیرخواهانه دارند، نقش بسیار قابل توجهی در تربیت کودکان و نوجوانان دارد و داستان‌های آرمان‌گرا می‌تواند آنها را در تشخیص بیش از پیش خیر از شر، یاری دهد.

۱۱- مواجهه با شر از خصوصیات است که شاید بتوان اذعان نمود که فقط در اتوپیای طالب عمران وجود دارد. دشمنانی که بیشتر از جنس بشرند و به ضرر جامعه و مردم عمل می‌کنند. لذا طالب عمران نیز از موجودات فضایی یاری جسته و آنها را نابود می‌سازد. نکته اصلی که در پس این جمله‌ها نهفته است این است که آن سکون و یکنواختی که بر دیگر اتوپیاها سلطه دارد در آثار آرمانی طالب عمران وجود ندارد؛ زیرا فقدان درگیری‌های درامی در یک داستان، نقطه ضعفی بس بزرگ در ترسیم مدینه فاضله است. از نظر طالب عمران، آرمان شهری که درگیر خیر و شر است و نه خیر مطلق از پویایی و سرزندگی بیشتری برخوردار است.

منابع

- آریانپور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۶۹هـ.ش.
- اصیل، حجت الله، آرمانشهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱هـ.ش.
- خبّاز، حنّا، جمهوری افلاطون، دمشق، دار القلم، ۲۰۰۶م.
- عزّام، محمّد، خیال بلا حدود: طالب عمران رائد أدب السخیال العلمی، دمشق، دار الفکر، الطبعة الأولى، ۲۰۰۰م.
- _____، السخیال العلمی فی الأدب، دمشق، دار طلاس، الطبعة الأولى، ۱۹۹۴م.
- عمران، طالب، خلف حاجز الزّمن، دمشق، اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۸۵م.
- _____، کوکب الأحلام، دمشق، اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۹۰م.
- _____، البحث عن عوالم أخرى، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۳م.
- _____، أسرارٌ من مدینه السحیمة، دمشق، اتحاد الکتاب العرب، ۱۹۹۲م.
- _____، الخروج من الجحیم، دمشق، منشورات وزاره الثقافة، ۱۹۹۴م.
- الکبسی، محمّد علی، البوتویا و التّراث، دمشق، دارالفرقد، الطبعة الأولى، ۲۰۰۸م.
- هاکسلی، آلدوس، دنیای شگفت‌انگیز نو، ترجمه صباغی و کاویار، کارگاه هنر، تهران، ۱۳۶۶هـ.ش.